



## احکام وقف در فقه اسلامی

محمد راشید رحیمی، دیپارتمنت فقه وقانون، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بدخشان،

بدخشان، افغانستان

Rashid.rahimi@gmail.com

### چکیده

وقف عبارت مالی است که از سوی مالک برای هدف خیری تخصیص داده شود و منافع آن برای دائم، در آن راه خیر به مصرف برسد اختصاص مال علاوه بر آن که آن را از دارایی مالک و واقف برای همیشه خارج می کند یک شخصیت حقوقی مستقل به وجود می آورد حقوق (مالکیت) معنوی یا فکری از سوی دیگر، اموالی اعتباری و غیر مادی هستند که جامعه به دانشمندان صاحب اندیشه و ابتکار خود از طریق قانون اعطا کرده است و به آنها فرصت استفاده کوتاه مدت و انحصاری از این حقوق مالی اعتباری را می دهد. با توجه به اهمیت و گسترش این نوع اموال، امروزه این که آیا این حقوق تازه شناخته شده یا غیر مادی قابل وقف هستند یا خیر مسأله ای جدی است. برخی (و شاید غالب افراد) با تکیه بر لزوم عین بودن مال موقوفه، موقتی بودن حقوق (مالکیت) معنوی، عدم قابلیت قبض این حقوق و برخی استدلال دیگر پذیرش وقف آنها را منطقی نمی دانند. اما در مقابل با بررسی تحلیلی موضوع می توان به این نتیجه رسید که عینیت مال موقوفه نه مبتنی بر کتاب یا سنت است حداقل در حال حاضر، پایه های منطقی قابل توجیه دارد. حقوق (مالکیت) معنوی مثل هر مال دیگری به تناسب ویژگی های خود قابل قبض و اقباض هستند و می توانند برای تمام مدت خود (به طور ابدی) و با قطع ارتباط از سوی صاحب آنها، وقف شوند. وقف این اموال در راستای حمایت از جامعه قابل توجیه است.

کلید واژه: وقف، احکام، فقه، اسلام

## مقدمه

إن الحمد لله نستعینة ونستغفره ونستهدیه، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا وسینات أعمالنا، من ینده الله فهو المهدت، ومن یضلل فلن تجد له ولیاً مرشداً؛ وصلى الله على خاتم النبیین والمرسلین، أرسله الله رحمة للعالمین، وهدایة للسانلین، وشفاعة للمؤمنین؛ بسنته تركنا على المحجة البیضاء، لیلها کنهارها. اما بعد:

یکی از رؤیایی ترین خواست‌های بشر در حالی که خداوند می‌فرماید همه به سوی خدا باز می‌گردند ماندگاری خویش بوده است. پس از نومی‌دی از بقای جاودانه، اندیشه " نام نیک " ایجاد شد. یکی از ابزار نیک نامی استفاده از نهاد وقف است. اموال که از گردش، داد و ستد خارج می‌شوند و منافع آنها برای نیت خیر صاحب قبلی آن منافع که بدون شک منفعت دیگران (غیر از خودش) را در بردارد به جریان می‌افتند. اموال اختصاص یافته به موجب قانون شخصیت اعتباری و حقوقی مستقلی می‌یابند. نام و دارایی و درآمد و مدیریت ویژه که همه این اختصاصات برای تأمین نیت خیر واقف به وجود می‌آیند: نهادی مفید و سودمند که ناشی از تعلیم دین مقدس اسلام برای انسانیت و برقراری عدالت و توزیع ثروت در جامعه و کمک به ارتقاء همه جانبه بشر خلق شده و در طول زمان تکامل یافته است. از ابتدای تأسیس اولین جامعه اسلامی در تاکنون تطور این نهاد بسیار زیاد بوده است. ملاحظه تاریخ تکامل وقف در فقه کشورهای اسلامی در می‌یابیم که فقهای مسلمان به تناسب شناسایی و احترام اموال جدید، در مورد آنها حکم داده اند. یکی از اموالی که دیر زمانی نیست که ضرورت احترام آنها در جامعه به طور کل و میان علمای مسلمان به طور خاص پذیرفته شده است، حقوق (مالکیت) معنوی است: حقوقی انحصاری که صاحبان اندیشه و ابتکار بر دستاوردهای فکری خود به دست می‌آورند. و به موجب آن نه تنها حق دارند به تنهایی آنها را مورد استفاده قرار دهند بلکه می‌توانند آن را به دیگران به صورت معوض یا مجانی واگذار نمایند. در نتیجه این واگذاری جامعه فرصت استفاده از آن اموال را پیدا می‌کند.

بدین ترتیب، راه معمول استفاده از حقوق انحصاری (مالکیت) معنوی در دسترس جامعه قرار گرفتن آنهاست. هم چون اموال موقوفه که از مالکیت خصوصی خارج و به یک مالکیت خصوصی دیگر راه می‌یابند ولی اثر این وضعیت جدید استفاده جمعی یا اختصاص افرادی غیر از مالک قبلی است. یکی از پرسشهای که در حال حاضر شاید به دلیل از جمله وجود نظرات و قواعد حقوقی مستحکمی که وقف را ویژه اعیان (اموال مادی و ملموس) می‌دانند، کمتر فرصت طرح شدن یافته است، امکان وقف حقوق (مالکیت) معنوی است.

وقف یکی از راه تقرب بسوی الله متعال است و بخاطری منفعت عامه و تأسیس مساجد، مدارس دینی و کمک به بینوایان جامعه بشری نقش بارزی را در راهی توسعه ارزشهای های بشردوستانه دارد.

### روش تحقیق

در این موضوع از شیوه بحث کتاب خانه ای استفاده صورت گرفته است، در این بحث هر مسأله با ذکر دلیل به گوینده اش نسبت داده شده و بعد از نام الله کلمه جل جلاله، و بعد از پیامبر صلی الله علیه وسلم تحریر گردیده است و همچنان فهرست عناوین و مراجع ذکر گردیده است.

### سوالات طرح شده

در بحث مذکور سوالاتی به شکل ذیل طرح گردیده است.

۱- وقف چیست؟

۲- آیا وقف در اموال منقول هم درست است یا خیر؟

۳- آیا مال وقفی قابل فروخت، ارث، وصیت است یا خیر؟

### پیشینه تاریخی

راجع به وقف در تمام کتابهای فقهی که مربوط مذهب احناف می شود بحث های مفصلی صورت گرفته است اما کتاب خاص مربوط به این بحث وقف از نظر احناف و یا مقاله خاصی در مورد تحریر نشده و به زبان های ملی هم در زمینه تحقیق یا مقاله ای تا هنوز توسط پژوهنده گان تقدیم جامعه نشده است لذا بحث خود را زیر عنوان وقف از دید مذهب احناف به رشته تحریر در آوردم.

### مفهوم وقف

وقف در لغت بمعنی حبس و منع آمده است، وقف، مصدر است جمع آن اوقاف است قسمی که گفته می شود که (وقف الدار و فقا) ای حبستها فی سبیل الله<sup>۱</sup> یعنی در راه الله متعال او را منع کردم و در قرآن کریم هم وقف به این معنی آمده است **وَقَفَّوْهُمُ** **إِثْمَ** **مَسْئُولُونَ** **۲** آنان را نگاه دارید که باید بازپرسی شوند.

<sup>۱</sup> - ابن منظور، محمد بن مکرّم بن منظور الأفریقی المصري، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۵۹، الناشر: دار صادر - بیروت.

<sup>۲</sup> - سورة صافات آية ۲۴.

در زبان و ادبیات فارسی وقف به معنای ایستادن، نگهداشتن، منحصر کردن چیزی برای استفاده کسی، وقف، امساک و اقامت کردن، آمده است. اصل واژه "وقف" در لغت عربی بمعنای توقف کردن، ایستادن، حبس کردن آمده است.<sup>۳</sup>

در شرع هم وقف بمعنای حبس سرمایه و اصل چیزی است که خود آن محفوظ باشد و محصول و ثمره آن در راه خدا بمصرف برسد.

**تعریف وقف در اصطلاح:** فقهای کرام وقف را در اصطلاح تعریف های متفاوت نموده اند که به تعریف امام ابوحنیفه رحمه الله وصاحبین اکتفا می نمایم وقف را امام ابوحنیفه رحمه الله چنین تعریف نموده است "عبارة عن حبس المملوك عن التمليك من الغير"<sup>۴</sup>

وقف عبارت است از حبس مایملک و جلوگیری از نقل و انتقال آن از طریق خرید و فروش و یا از طریق بخشش باشد

صاحبین وقف را چنین تعریف می نمایند هو حَبْسُ الْعَيْنِ عَلَى حُكْمِ مَلِكِ اللَّهِ تَعَالَى.<sup>۵</sup> وقف آن است که عین مال حبس و منافع آن در راهی خدا و یا راهی که مورد نظر واقف بوده قرار بگیرد. مفهوم این تعاریف آن است که مالک عین مال خود را در راه خیر اختصاص دهد تا از منافع حاصله آن عین مستمر برای نیت واقف استفاده گردد..

در فقه احناف وقف، حبس مالی است که با وجود عین، امکان انتفاع از آن وجود داشته باشد. در این معنا ملک به عنوان ملک الله وقف می شود و واقف از تصرف در آن ممنوع می گردد. ولی در این معنا حبس به معنای منع و منظور منع عین از آن که ملک باشد و مشمول تصرفات تملیکی باشد است.

### مطلب دوم مشروعیت وقف

خداوند وقف را يك عمل شرعي دانسته و مردم را بدان تشویق نموده و آن را وسیله تقرب بخود قرار داده است و برای واقف مزد و ثواب قابل شده است.

<sup>۳</sup> - دهخدا، ۱۳۷۲، معین: ۵۰۴۷.

<sup>۴</sup> - شمس الدین أبو بکر محمد بن أبي سهل السرخسي (۱۴۲۱هـ). المبسوط للسرخسي، دراسة وتحقیق: خليل محي الدين الميس، ج ۱۲ ص ۴۷، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت، لبنان.

<sup>۵</sup> - الحنفي، زين الدين ابن نجيم، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، ج ۵، ص ۲۰۲، الناشر دار المعرفة، مكان النشر - بيروت.

مردمان جاهلی از وقف اطلاع نداشتند و آن را نمی شناختند و پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - خود آن را مشروع ساخته و مردم را بوقف در راه خدا خوانده و مردم را بدان تشویق کرده است، تا وسیله ای باشد برای دستگیری و احسان و نیکی نسبت به فقیران و بینوایان و مهر و شفقتی باشد نسبت به نیازمندان و وقف باعث قربت و نزدیکی به الله متعال می شود و انسان مسلمان می تواند که توسط وقف به الله متعال بیشتر نزدیک شود؛ نقش وقف در بهتر شدن زندگی انفرادی و اجتماعی جامعه اسلامی نقش بسزای دارد و مشروعیت به قرآن کریم، سنت، و اجماع امت ثابت می شود.

دلیل مشروعیت وقف به اثبات رسیده است در قرآن کریم: ۱- این قول الله متعال **چَ لَنْ تَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ** <sup>۶</sup> ترجمه: به نیکی دست نمی یابید، مگر آن که از آنچه دوست می دارید ببخشید. و هر چه را ببخشید خدا بر آن آگاه است.

وقتی که این ایه مبارکه نازل شد حضرت ابوطلحه رضی الله تعالی عنه یک باغ بزرگ از خرما داشت در راه الله متعال وقف کرد. قسمی که حضرت انس رضی الله عنه حدیث روایت میکند "عن انس بن مالک (رضی الله عنه) یقول: کان ابوطلحه أكثر الانصار بالمدينة مالا من نخل، وکان أحب أمواله إليه بئرحاء، وکانت مستقبله المسجد، وکان رسول الله صلی الله علیه وسلم یدخلها ویشرب من ماء فیها طیب. قال انس: فلما أنزلت هذه الآية: (لن تتالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون)، قام أبوطلحه الی رسول الله صلی الله علیه وسلم فقال: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم أن الله تبارک وتعالی یقول: (لن تتالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون)، وأن أحب أموالی الی بیرحاء، وأنها صدقة الله، أرجو برها وذخرها عند الله، فضعها یا رسول الله صلی الله علیه وسلم حیث أراک الله، قال: فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم: (بخ ذلك مال رابع، ذلك مال رابع، وقد سمعت ماقلت، وأنی أرى أن تجعلها فی الأقربین)، فقال أبوطلحه: أفعل یا رسول الله، فقسما أبوطلحه فی أقاربه وبنی عمه) <sup>۷</sup>

ترجمه انس رضی الله عنه می گوید: ابوطلحه ثروتمندترین مرد انصار در مدینه بود و بهترین مالی که دوست داشت نخلستان «بیرحاء» بود درکنار «مسجد النبی» که در جهت جلو مسجد قرار داشت که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بدان نخلستان می رفت و از آب گوارای آن می نوشید، چون این آیه نازل شد: **لَنْ تَتَّالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ**. «هرگز باعمال خیر و احسان دست نمی یابید مگر این که بعضی از آنچه که دوست دارید در راه خدا هزینه کنید». ابوطلحه چون این آیه را شنید بخدمت پیامبر صلی الله علیه

<sup>۶</sup> -سورة آل عمران آیه ۹۲.

<sup>۷</sup> - محمد بن اسماعیل أبو عبد الله البخاری الجعفی (۱۴۲۲هـ) صحیح البخاری، المحقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، ج ۲ ص ۱۱۹، الناشر: دار طوق النجاة.

وآله وسلم رفت و گفت خداوند که چنین می فرماید، بدان یا رسول الله دوست داشتنی ترین مال نزد من نخلستان «بیرحاء» است، اینک آن را بخداوند بخشیدم ثواب و پاداش آن را اندوخته نزد خداوند می خواهم یا رسول الله در آن هرگونه که می خواهی تصرف کن. پیامبر گفت: آفرین و احسن. اینست مال سودآور و معامله نیکو اینست معامله و مال سودآور من این سخن ترا شنیدم و پذیرفتم و رای من اینست که آن را میان خویشاوندان تقسیم کنی این بود که ابوظلحه آن را وقف خویشاوندان خود کرد و در آمد آن را بین آنان تقسیم کرد

مشروعیت وقف از حدیث فوق دانسته می شود ویکی از راهی که انسان را به الله نزدیک می سازد، وقف است وقتی که آیه ۹۲ سوره آل عمران نازل شد حضرت ابوظلحه رضی الله عنه سرمایه زندگی خود را که عبارت از باغی که در بهترین موقعیت مدینه منوره قرار داشت بخاطر قربت و نزدیکی به الله متعال وقف در راه الله متعال نمود یعنی اصل باغ در تصرف حضرت ابوظلحه رضی الله عنه بود، اما میوه و سرمایه که از باغ بدست می آورد در میان خویشاوندان خود مطابق هدایت رسول الله صلی الله علیه وسلم، توزیع می نموده.

۲ - **چَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ** <sup>۸</sup> ترجمه : ای کسانی که ایمان آورده اید از قسمتهای پاکیزه اموالی که به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما بیرون آورده ایم ببخشید.

### ادله مشروعیت وقف درست

خداوند وقف را يك عمل شرعی دانسته و مردم را بدان فرا خوانده و آن را وسیله تقرب بخود قرار داده است و برای آن مزد و ثواب قایل شده است.

مردمان جاهلی از وقف اطلاع نداشتند و آن را نمی شناختند و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم خود آن را مشروع قرار داد و مردم را بوقف در راه خدا فرا خوانده و مردم را بدان تشویق کرده است، تا وسیله ای باشد برای دستگیر و احسان و نیکی نسبت به فقیران و بینوایان و مهر و شفقتی باشد نسبت به نیازمندان پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و یارانش مساجد و زمینهایی و چاه های و باغهای و نخلستانهای و اسبان سواری را وقف کرده اند و تا به امروز نیز این عمل خدا پسندانه وقف ادامه دارد و اینک چند نمونه موقوفات زمان پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - ذکر می گردد:

<sup>۸</sup> - سوره بقره آیه ۲۶۷.

۱- اولین بار که وقف در اسلام صورت گرفته است موقعیت زمین مسجد قباء است که با آمدن رسول الله صلی الله علیه وسلم به شهری مدینه منوره این زمین وقف شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم اساس این مسجد را با ورد شان به شهری مدینه منوره گذاشته اند.

۲- اولین وقف که در اسلام شناخته شده است وقف رسول الله صلی الله علیه وسلم برای (سبعة حوایط) است شخصی یهودی بنام مختریق که در مدینه دو باغ داشت و در سال دوم هجری در غزوه احد در برابر مسلمانان گشته شد، وصیت نموده بود که اگر مسئله گشته شدم تمام سرمایه ام برای رسول الله صلی الله علیه وسلم داده شود هر قسمی که خواستن مصرف کند، پس ایشان در جنگ احد گشته شده اند و رسول الله صلی الله علیه وسلم راجع به ایشان فرموده اند: که (مختریق خیرالیهودی) سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم باغ های ایشان را تسلیم شده و در راه الله متعال صدقه و وقف نموده اند.<sup>۹</sup>

۳- وعن ابن عمر (رضی الله عنهما) : أن عمر بن الخطاب أصاب أرضاً بخيبر ، فأتى النبي صلى الله عليه وسلم . يستأمره فيها ، فقال: يا رسول الله ، أنى أصبت بخيبر لم أصب مالا قط أنفوس عندي منه ، فما تأمر به ؟ قال : ان شئت حبست أصلها ، وتصدقت بها قال: فتصدق بها عمر ، أنه لا يباع ولا يوهب ولا يورث ، وتصدق بها في الفقراء ، وفي القربى وفي الرقاب ، وفي سبيل الله وابن السبيل ، والضعيف لاجنح على من وليها أن يأكل منها بالمعروف ، ويطعم غير متمول.<sup>۱۰</sup>

ترجمه: بروایت ابن عمر آمده است که عمر خطاب صاحب زمینی شد در خیبر و بوی سهمی از زمین آنجا رسید و بحضور پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم رفت و در باره آن زمین با ایشان مشورت کرد و گفت: یا رسول الله من زمینی در خیبر نصیبم شده است که هرگز مال نفیس تر از آن نداشته ام، درباره آن بمن چه دستوری می دهی؟ رسول الله گفت: «ان شئت حبست أصلها وتصدقت بها» «اگر می خواهی اصل آن را بر ای خود نگه دار و سود و حاصل و بهره آن را صدقه و وقف کن که عمر رضی الله عنه آن را وقف کرد که فروخته نشود و بخشیده نشود و بارث نرود و محصول آن برفقیان و خویشاوندان و برای آزادی بندگان و مخارج رهگذران درمانده و مهمانان وقف باشد و کسی که بدان می رسد و آن را سرپرستی می کند بر وی گناه نیست که برابر عرف و عادت و به نیکی از آن بخورد و بدیگران هم بدهد، که بخورند بدون آنکه آن را ملک شخصی خود سازد.

از این حدیث مشروعیت وقف دانسته میشود و در زمینه حافظ ابن حجر رحمه الله می گوید که حدیث

ابن عمر رضی الله عنه اصل است درباره مشروعیت وقف.<sup>۱۱</sup>

<sup>۹</sup> - السيرة النبوية لابن هشام ، ج ، ۳ ، ص ، ۹۹ ، البداية والنهاية لابن كثير ، ج ، ۵ ، ص ، ۴۱۶ - ۴۱۷

<sup>۱۰</sup> - البخاری ، صحيح البخاری ، كتاب الشروط ، باب الشروط في الوقف - رقم الحديث ۲۷۳۷ .

<sup>۱۱</sup> - العسقلاني ، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر ، فتح الباري ، ج ، ۵ ، ص ، ۳۹۲ .

۴- عن ابی هریره رض ، أن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال : إذا مات الانسان انقطع عنه عمله الا من ثلاثة الا من صدقة جاریة ، أو علم ینتفع به ، أو ولد صالح یدعوله.<sup>۱۲</sup>

ترجمه : هرگاه کسی مرد رابطه او با عملش قطع می گردد و اعمال او پایان می پذیرد مگر سه عمل وی که پس از مرگ نیز همچنان ادامه دارد و ثوابش به وی می رسد: صدقه جاریه عملی که همواره سود و خیر آن جاری است " مانند مسجد و راه و چاه آب و مدرسه و موسسه خیریه و اعمالی از این قبیل که وقف می شود" و علم و دانشی که مردم از آن سود می برند که ثواب آن همیشه ادامه دارد. و فرزند شایسته و صالحی که همواره او را بیاد دارد و با دعای خیر و اعمال خیر از او یاد می کند.

بدیهی است مقصود از صدقه جاری مالی است که وقف می گردد که همواره چون اصل آن محفوظ است، ثواب و پاداش آن ادامه دارد، و بصاحبش می رسد. مراد از این حدیث اینست که ثواب اعمال میت قطع می گردد و دیگر پس از مرگ وی تجدید نمی شود، مگر این سه چیز که از عمل و کسب وی می باشد و ثواب آن بعد از او نیز ادامه دارد و پاداش آنها به وی می رسد.

چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فریاید: (إن مما یلحق المؤمن من عمله وحسناته بعد موته: علما نشره أو ولدا صالحا ترکه أو مصحفا ورثه أو مسجدا بناه أو بیئا لابن السبیل بناه أو نهرا أجراه أو صدقة أخرجها من ماله فی صحته وحياته تلحقه من بعد موته)<sup>۱۳</sup> از جمله اعمال خیری که پس از مرگ انسان همچنان ادامه دارد و ثوابش بوی می رسد و قطع نمی شود اعمال ذیل می باشد: دانشی که او سبب انتشارش آن شده است، یا فرزند شایسته و صالحی که از خود بجای می گذارد یا قرآنی که از خود به ارث می نهد یا مسجد اعمار نموده است یا خانه ای و کاروانسرای که برای راهگذران بناموده یا جوی آبی به جریان آورده یا چاهی حفر نموده است یا صدقه جاریه و وقفی که در حال صحت و حیات خود وقف کرده و بعد از مرگش نیز ثوابش همچنان بوی می رسد

### دلیل مشروعیت وقف از اجماع

<sup>۱۲</sup> - القشیری ، مسلم بن الحجاج أبو الحسین النیسابور ، صحیح مسلم ، ج ۳ ، ص ۱۲۵۵ ، حقیق : محمد فؤاد عبد الباقی، الناشر : دار إحياء التراث العربي - بیروت.

<sup>۱۳</sup> - أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی (۱۴۳۰) سنن ابن ماجه ت الأرثووط، المحقق: شعيب الأرثووط، ج ۱ ص ۱۶۰، الناشر: دار الرسالة العالمية.



اتفاق اصحاب کرام بر مشروعیت وقف بیان شد است حتی که اصحاب کرام به نسبت علاقه و حرص شدید شان در وقف در این امر میان هم مسابقه و منافسه می نمودند امام شافعی رحمه الله می گوید: که تقریباً هشتاد تن از اصحاب کرام یعنی انصار قسمتی از سرمایه خود را به خویشاوندان وقف نموده بودند.<sup>۱۴</sup>

حضرت جابر بن عبد الله رضی الله عنه می گوید: که ( مابقی أحد من أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم الاوقف ووقفاً) جمهور علما امت اسلامی تأکید نمود بر ثبوت جواز وقف از عصر اصحاب کرام اجماع نموده اند، تابعین تا عصر حاضر بر ثبوت وقف اتفاق نظر دارند.<sup>۱۵</sup>

### ارکان وقف

امام ابوحنیفه رحمه الله می گوید: که رکن وقف صیغه آن است و این شامل تمام ارکان می شود چنان که می گوید: ( واما رکنه فأللفاظ الداله عليه وهذا رأى ابى حنيفة رحمه الله في كل العقود).<sup>۱۶</sup>

اما نزد جمهور فقهای کرام ارکان وقف قرار ذیل است مال، موقف، موقف علیه، واقف، ضیغه آن.<sup>۱۷</sup>

مقاصد وقف: دو نوع است:

۱- مقصد عام

۲- مقصد خاص

مقصد عام عبارت است از ایجاد وقف بخاطر به میان آمدن مصلحت معینه که نفع آن متعلق به عموم مردم باشد.

مقاصد خاصه اش قرار ذیل است: ۱- در وقف ضمانت بقای مال و دوامی استفاده از مال بر یک مدت دراز. ۲- استمرار منفعت از مال وقف برای واقف و موقوف علیه لذا اجرا و پاداشت همیشه برواقف می رسد برابر است که زنده باشد و یا فوت کرده باشد و منفعت همیشه بر موقوف علیه می رسد.

۳- امتثال به امر الله متعال با انفاق و صدقه کردن در راه مشروع و همچنان امتثال به امر رسول الله صلی الله علیه وسلم که همیشه بر پرداخت صدقات تشویق می کردند و این بزرگترین مقصد وقف است.

<sup>۱۴</sup> - مغنی المحتاج شرح المنهج لمحمد الشرنینینی الشافعی، ۳، ص، ۳۷۶

<sup>۱۵</sup> - الخصاص في أحكام الأوقاف (ص ۶ - ط دیوان عموم الأوقاف المصرية) S

<sup>۱۶</sup> - الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت.

<sup>۱۷</sup> - محمد بن عبد الله الخرشني المالكي أبو عبد الله (۱۱۰۱هـ) شرح مختصر خليل للخرشي، الناشر: دار الفكر للطباعة - بيروت.

۴- وقف باعث به میان آمدن صله رحم در میان خویشاوندان می شود قسمی که الله متعال می فرماید  
چَ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ چ<sup>۱۸</sup> ترجمه وکسانی که با یکدیگر خویشاوندند  
برخی برای برخی دیگر سزاوارترند در کتاب خدا

۵- در وقف یک نوع تعاون و همکاری است جهت کفالت یتیم ها وکمک به فقراء و مساکین و وقف  
بهترین تعاون است در هر آنچه که منفعت مردم نهفته است قسمی که الله متعال می فرماید : چَ وَتَعَاوَنُوا  
عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ چ<sup>۱۹</sup> ترجمه در راه نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری و پشتیبانی نمایید

۶- وقف بخاطری مساجد و مدارس ..... جهت منفعت عامه است و باعث حفظ ارزشها میشود

### شرایط وقف

شرایط جواز وقف برخی از شرایط وقف مربوط می شود به واقف و برخی مربوط می شود به نفس و برخی  
دیگر اش مربوط می شود به موقوف آنچه که مربوط می شود به واقف

۱- این که واقف عاقل و بالغ باشد لذا وقف صبی و مجنون درست نیست ، زیرا که وقف از جمله تصرفاتی  
ضاره است از جهت زوال ملک بدون عوض و صبی مجنون از اهل تصرفاتی ضاره نیستند ، لذا از صبی  
و مجنون هبه شان و صدقه و اعتاق شان درست نیست

۲- آزادی زیرا که غلام ملکیت ندارد ، و وقف از اهل ملک است و غلام از اهل ملکیت نیست برابر  
است که ماذون باشد یا محجور. زیرا که وقف از باب تجارت و از ضروریات تجارته هم نیست پس غلام  
ماذون هیچ نوع ملکیت ندارد قسمی که در هبه ، صدقه ، اعتاق صلاحیت ندارد.

۳- آنچه که واقف آن را از ملک خویش بیرون می نماید و برایش قیمت تعیین می کند او را این شرط  
در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله است اما صاحبین این شرط را نمی پذیرند امام ابوحنیفه رحمه الله استدلال  
میکند به عمل حضرت عمر رضی الله عنه وقف کرده بوده اند از موقوف خود سرپرستی میکرد وزیر دست  
خودش بود و همچنان علی رضی الله عنه . اما صاحبین می گویند: در وقف اخراج مال از ملک شخص  
بروجه صدقه می باشد بدون تسلیم درست نیست مانند دیگر تصرفات شخص.<sup>۲۰</sup>

### حکم وقف

<sup>۱۸</sup> -سوره انفال آیه ۷۵.

<sup>۱۹</sup> -سوره مایده آیه ۲.

<sup>۲۰</sup> - الکاسانی ، علاءالدین ، ابوبکر بن مسعود بن أحمد الکاسانی الحنفی ، ج ۶ ، ص ۲۱۹ ، ناشر : دار الکتب العلمیة ، طبعه دوم  
سال ۱۹۸۶ م .

وقف عمل درست بوده در دو صورت منعقد می گردد:

۱- فعل و کرداری که دال بر وقف باشد امام شافعی رحمه الله می گوید: تنها فعل کافی نیست بلکه قول نیز لازم است- مانند اینکه مسجدی را بسازد و در آن اذان نماز را بگوید و نیازی نیست که حاکم بوقف بودن آن حکم کند.

۲- قول بوقف که آن هم تقسیم می شود به «صریح» و «کنایه» قول صریح مثل اینکه واقف (وقف کننده) بگوید: "وقتت" وقف کردم "و حبست" مال خود را حبس کردم در راه خدا قرارش دادم" و تا ابد آن را وقف کردم.

و قول کنایی مانند اینکه بگوید: "تصدقت" آن را صدقه کردم به نیت وقف اما وقف تعلیقی بمرگ مثل این که بگوید: "خانه ام یا... بعد از مرگم وقف است" اینهم جایز است، بر حسب ظاهر مذهب امام احمد رحمه الله.<sup>۲۱</sup>

### لزوم وقف

هرگاه واقف کاری را انجام داد که بر وقف دلالت می کرد یا عملاً صیغه وقف را بر زبان راند، وقف لزومیت پیدا می کند، مشروط بر آنکه واقف از جمله کسانی باشد که تصرفش در مال خود صحیح بوده یعنی دارای اهلیت کامل از قبیل داشتن عقل و بلوغ و حریت و اختیار باشد و انعقاد آن نیازی به قبول کردن موقوف علیه ندارد. هرگاه وقف لزومیت پیدا کرد، فروش و هبه و بخشیدن آن و هر نوع تصرفی که زایل کننده وقفیت آن باشد، جایز نیست. و هرگاه وقف کننده فوت نمود از او به ارث برده نمی شود، چون مقتضای وقف این است که به ارث برده نمی شود چنانکه قبلاً در حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم گذشت: «لا یباع ولا یوهب ولا یورث»<sup>۲۲</sup>

چیزهایی که وقف آنها جایز است و چیزهایی که وقف آنها صحیح نیست

وقف آب و ملک و باغ و زمین و اموال منقول و مصاحف و کتابها و اسلحه و حیوانات و هر چیزی که فروختن آن جایز باشد و هر چیزی که بتوان با باقی ماندن اصل آن، از آن سود برد، صحیح است و وقف چیزهایی که با بهره گرفتن از آنها، تلف شوند مانند پول و نقود و شمع و خوردنیها و نوشیدنیها و چیزهایی که بزودی فساد و تباهی بدانها راه می یابد، مانند بوییدنیها و گلها و چیزهایی که فروختن آنها جایز نیست مانند

<sup>۲۱</sup> - سید سابق (فقهِ السنه، مترجم، دکتر محمود ابراهیمی، ج ۶ ص ۴۸۹.

<sup>۲۲</sup> - صحیح البخاری، ج ۳ ص ۱۹۸.

مال مرهون و سگ و خوک و درندگان چهارپا که برای شکار صلاحیت ندارند و پرندگان که برای شکار صلاحیت ندارند، وقف همه اینها صحیح نیست.

وقف صحیح نیست مگر این که بر کسی که معروف و معلوم باشد مانند فرزندان واقف و خویشاوندانش یا شخص معینی یا بر امور خیریه و احسان و نیکی مانند ساختن مساجد و پلها و کتب فقهی و علم و دانش و قرآن و ... پس هرگاه بر غیر معین وقف کرد مانند مردی یا زنی یا بر امور خیریه نبود بلکه بر معصیت بود مانند وقف بر کلیساها و دیرها و کنشتها، آن وقف صحیح نیست. (بنظر می رسد که وقف مسلمان بر کلیسا و دیر و کنشت درست نباشد نه غیر مسلمان)<sup>۲۳</sup>

هرکس مالی را بر او دادش وقف کرد، اولاد آنان را نیز تا هر زمان که نسل شان ادامه داشته باشد، در بر می گیرد و شامل آنان نیز می شود و همچنین فرزندان دختران را بر روایت ابو موسی اشعری پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - گفت: «ابن أخت القوم منهم»<sup>۲۴</sup> فرزند خواهر قوم جزو آن قوم است.

### وقف کردن در حال بیماری مرگ

هرگاه کسی در بیماری مرگش چیزی را بر بیگانه وقف کرد، مانند وصیت از یک سوم دارای اش اعتبار می گردد، و نیازی بر رضایت وارثان ندارد، مگر این که از یک سوم دارای اش، بیشتر باشد که نسبت بدان زائد بر ثلث صحیح نیست، مگر با اجازه وارثان.

### وقف در حال بیماری مرگ بر بعضی ورثه

اما وقف بر بعضی از وارثان در بیماری مرگ: مذهب شافعی رحمه الله و یکی از دو روایت از امام احمد رحمه الله آن را جایز نمی دانند و غیر شافعی و احمد در روایت دیگرش وقف یک سوم را بر ورثه در بیماری مرگ بمانند وقف بر بیگانه جایز می دانند، وقتی که به امام احمد رحمه الله گفته شد: مگر نمی گویی که وصیت برای وارث نیست؟ گفت: آری وقف غیر از وصیت است، چون موقوفه فروخته نمی شود و هبه نمی شود و بارث برده نمی شود و ملک ورثه نمی گردد، بلکه از بهره آن منتفع می شوند.

### ضرر رساندن ورثه حرام است

<sup>۲۳</sup> - فقه السنه ج ۶ ص ۴۹۰.

<sup>۲۴</sup> - صحیح البخاری، ج ۴ ص ۱۸۵.

حرام است که واقف بگونه مال خود را وقف کند، که بورثه خود ضرر برساند چون پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - گفته است: «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام»<sup>۲۵</sup> «در اسلام ضرر بخود زدن و ضرر بدیگران وجود ندارد». اگر در چنین حالی و با چنین قصدی، وقف کرد، وقف او باطل است.

در کل باید گفت: که قصد و مراد از آن قطع صلح است و قطع چیزی باشد که خداوند به پیوند و صلح آن دستور داده است با فرایض خدا باشد، از اصل باطل است و بهیچ صورت منعقد نمی شود، مانند کسی که مال خود را بر فرزندان ذکور و اناث خویش وقف کند و دختران و زنان را محروم سازد و آنان را در وقف بر فرزندان شریک نسازد و امثال آن، بدیهی است که چنین شخصی قصد تقرب بخدا را نکرده است، بلکه خواسته است که با احکام خدا مخالفت کند و با آنچه که خدا برای بندگان خود قرار داده است، معاندت و خلاف ورزد و این وقف طاغوتی را وسیله ای برای رسیدن بمقاصد شیطانی خویش ساخته است، بیاد داشته باشید که این نوع مقاصد شیطانی در این روزگار چقدر فراوان است. و همچنین کسی که تنها بدین داعیه مال خود را وقف می کند تا مالش در میان فرزندان باقی بماند و از ملکیت آنان بیرون نرود و آن را بر نسل خود وقف می کند و بدرستی این خواسته است که با حکم خداوند مخالفت کند که عبارت است از انتقال ملک به بورثه و واگذاری تصرف در میراث از طرف ورثه بهر کیفیتی که دل آنان بخواهد و غنا یا فقر ورثه بوقف ارتباط ندارد، بلکه بخداوند مربوط است و این بستگی به نیت اشخاص دارد باید دقت توجه نمود، که چه اسبابی موجب آن شده است. و بندرت چنین می شود مانند این که کسی وقف کند بر فرزندان صالح خود یا کسانی از آنان که بتحصیل علم اشتغال دارند، چون این نوع وقف گاهی خالصانه و بقصد قربت الی الله صورت می گیرد و بستگی به نیت واقف دارد، لیکن حواله و تفویض امر بحکم خداوند که برای بندگان خود خواسته و برای آنان راضی شده است، بهتر و سزاوارتر است.

لذا از نظر فقهای کرام جمهور فقهای کرام وقف یکی امر مستحسن و جایز بوده دلایل شان در بخش مشروعیت وقف ذکر شد، اما وقف در مذهب احناف قابل بحث است در زمینه دو نظر جود دارد یکی نظر امام ابوحنیفه رحمه الله دوم دیدگاه صاحبین

۱- امام ابوحنیفه رحمه الله: از نظر امام قول راجح این است که وقف یک امر جایز بوده مانند عاریت حتمی و لازم نمی باشد، یعنی وقف جایز و غیر لازمی است پس موقوف نزد واقف است، اما منفعت اش در راه الله معتال مصرف می گردد. لذا جایز است که زمین وقف بر فروش برسد و به میراث برد شده است. و استدلال میکند به این حدیث { لا حیس عن فرائض الله تعالی } لذا امام صاحب می گوید که با وقف کردن ملکیت واقف از موقوف زایل نمی شود، موقوف تحت ملکیت واقف است اما منفعت یا نتیجه که

بدست میاید باید در راه الله متعال به مصرف برسد اما اگر حاکم وقت به زوال وقف حکم کند حکمش تبیط می گردد.

۲- صاحبین می گویند: که وقف حبس العین است، یعنی وقف حبس عینی موقوف است لذا ملکیت واقف زایل میشود و منفعت اش برمی گردد به بندگان الله. لذا فروختن هبه کردن، میراث درست نیست. خلاصه مطلب اینکه وقف از نظری صاحبین ملکیت واقف زایل می شود و این مربوط می شود بسوی الله متعال و منفعت بدست آمده به بنده گاه الله تعلق می گیرد در نتیجه وقف تحت تصرفی واقف است از نظر امام ابوحنیفه رحمه الله، اما صاحبین به این نظر اند که موقوف تحت تصرفی واقف نیست بلکه ملکیت الله است دلیل شان {قوله النبی صلی الله علیه وسلم لعمر رضی الله عنه "حین اراد أن يتصدق بأرض له تدعی ثمنا: تصدق بأصلها لا بیاع ولا یورث ولا یوهب."} ۲۶ اگر می خواهی اصل آن را برای خود نگه دار و سود و حاصل و بهره آن را صدقه و وقف کن یعنی وقف عام. که عمر آن را وقف نمود که فروخته نشود و بخشیده نشود و به ارث برده نشود و محصول آن بر فقیران و خویشاوندان و برای آزادی بندگان و مخارج رهگذران در مانده و مهمانان وقف باشد

یعنی ملکیت وقف از دست واقف بیرون نمی شود اما منفعت اش مربوط می شود به منفعت جامعه اسلامی اما صاحبین با این دید موافق نیستند، و می گویند که وقف از ملکیت واقف بیرون می شود و مربوط منسوب می شود به سوی الله متعال، قابلیت فروخت، ارث، وصیت را ندارد و هر کدام دلیل بر مدعی خود دارند در بحث تذکر داده شده است و در نهایت باید گفت وقف یک امری پذیرفته شده است در تمامی مذاهب اسلامی است.

در مذهب احناف هم وقف یک امری جایز بوده اما در حکم آن امام ابوحنیفه رحمه الله باشاگردان خود هم نظر نیستند، امام صاحب به این که وقف قابل فروخت، ارث، وصیت می باشد.

### نتیجه گیری

بعد از تحقیق و بررسی به این نتیجه رسیدم که وقف یک امر مباح و مشروع بوده که مشروعیت آن به آیات قرآنی و احادیث نبوی به اثبات رسیده است، و همه فقهای اسلامی بر مشروعیت آن معتقد اند، اما در مذهب احناف هم یک امری جایز دانسته شده است اما در حکم امام ابوحنیفه رحمه الله س باشاگردان خود هم نظر نیستند، امام صاحب به این باور است که وقف قابل فروخت، ارث، وصیت، بوده، یعنی ملکیت وقف از دست واقف بیرون نمی شود اما منفعت اش مربوط میشود به منفعت عامه. اما صاحبین با این باور موافق

۲۶ - لیخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبدالله الجعفی، : الجامع الصحیح المختصر، ج، ۲، ص، ۹۸۲، الناشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷.

نیستند ، ومیگویند که وقف از ملکیت واقف بیرون میشود ومربوط منسوب میشود به الله متعال ، قابلیت فروخت ، ارث ، وصیت را ندارد وهر کدام دلیل برمذعی خود دارند در بحث تذکر داده شده است ، ودر نهایت وقف یک امری پزیرفته شده است درتمامی مذاهب اسلامی است .

## منابع و مأخذ

قران کریم

ابن منظور ، محمد بن مکرم بن منظور الأفريقي المصري ، لسان العرب ، الناشر : دار صادر - بیروت (م د) . دهخدا، ۱۳۷۲، . معین: ۵۰۴۷ .

السرخسي، شمس الدين أبو بكر محمد بن أبي سهل ، المبسوط للسرخسي ، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، لبنان ، لطبعة الأولى، ۱۴۲۱هـ - ۲۰۰۰م

الحنفي ، زين الدين ابن نجيم ، البحر الرائق شرح كنز الدقائق ، الناشر دار المعرفة ، مکان النشر -بیروت .

البخاری ، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله الجعفي ، صحيح البخاري ، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر ، الناشر: دار طوق النجاة ، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ

المعافري، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري أبو محمد، جمال الدين ، السيرة النبوية لابن هشام ، المحقق: طه عبد الرؤوف سعد ، الناشر: شركة الطباعة الفنية المتحدة

ابن كثير، ابي الفداء اسماعيل بن كثير، البداية والنهاية لابن كثير دار إحياء التراث العربي، طبعة جديدة محققة الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ۱۹۸۸

ابن حجر ، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر، فتح الباري، الناشر: دار المعرفة - بیروت، (م د)

القشيري ، مسلم بن الحجاج أبو الحسين النيسابور ، صحيح مسلم ، حقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر : دار إحياء التراث العربي - بیروت ، (م د) .

مغنی المحتاج شرح المنهج لمحمد الشرنينی الشافعی ، الناشر دار الفكر - بیروت ، (م د) .

الكاساني ، علاء الدين ، ابوبكر بن مسعود بن أحمد الكاساني الحنفي ، بدائع الصنائع ، ناشر : دار الكتب العلمية ، طبعه دوم سال ۱۹۸۶ م .

العینی ، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين الغيتابی الحنفي بدر الدين ، البناية شرح الهداية ، الناشر: دار الكتب العلمية - بیروت، لبنان ، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰

أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني سنن ابن ماجه الأرثووط، المحقق: شعيب الأرثووط، الناشر: دار الرسالة العالمية.

سيد سابق فقه السنه، مترجم، دكتور محمود ابراهيمي،